

## در گذشتگان

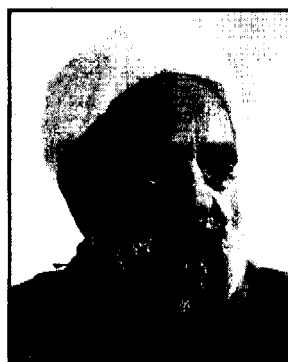
طباطبایی نژاد، شیخ علی مهدوی و پدرش شیخ عبدالوهاب شریعتی، بنا به احساس تکلیف و وظیفه شرعی، برای تبلیغ دین و جبران خلأ دینی و مذهبی در سال ۱۳۴۸ ش رهسپار زادگاهش شد و سالیان فراوان (بیش از چهل سال) به خدمات دینی (اقامه جماعت و تفسیر قرآن و بنای مساجد و مدارس) در دو شهر اردستان و زواره پرداخت و هزاران نفر از مردم و جوانان منطقه را با اسلام و تشیع آشنا ساخت. وی در تبلیغ مرجعیت حضرت امام و مبارزه با رژیم شاه، باکی نداشت و همگام با بیت اصیل و رفیع «طباطبایی نژاد» در آن شهر، مردم را با آموزه های اسلام و تشیع، ارشاد می نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی امام خمینی به امامت جمعه زواره و اردستان برگزیده شد و در طول دوران جنگ تحمیلی، با عزیمت به جبهه های نبرد، سهم بسیاری در ترغیب و تشجیع رزمندگان اسلام داشت. وی در یکی از این سفرها، خود نیز دچار جراحت شد و به افتخار جانبازی نایل آمد.

وی عادت به قرائت روزانه قرآن مجید و زیارت عاشورا و ادعیه شب و روز جمعه و ایام مبارک و نماز جعفر طیار داشت و در دستگیری از نیازمندان و تسلی داغدیدگان پیشگام بود. در مصرف سهم امام علیه السلام بسیار محتاط بود و همواره در منبرهایش، نخست احکام و مسائل دینی را بازگو می کرد.

آن مرحوم موفق شد در مرکز شهر، مدرسه علمیه شهید مدرس را (بدون هزینه سهم امام و تنها با کمک خیرین) همراه با کتابخانه ای بزرگ و جداگانه (ویژه برادران و خواهران) بنیاد نهد، که هم اکنون به کار تربیت طلاب علوم دینی می پردازد.

### حجت الاسلام و المسلمین شریعتی



حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدباقر شریعتی اردستانی، از علمای بزرگ شهرستان اردستان به شمار بود.

فقید سعید در سال ۱۳۰۷ ش (۱۳۴۷ ق) در روستای «فران» - از توابع بخش برزاوند اردستان - زاده شد. پدرش حجت الاسلام شیخ عبدالوهاب شریعتی، روحانی سرشناس و معروف منطقه بود که سعی و کوشش بسیار در راه ارشاد و هدایت علمی و دینی مردم متدین آن منطقه داشت.

آن مرحوم در سال ۱۳۲۴ ش (۱۳۶۴ ق) به حوزه اصفهان سفر کرد و ادبیات را در آنجا آموخت؛ سپس در سال ۱۳۲۷ ش به حوزه علمیه قم آمد و دروس سطح را نزد آیات: شیخ جواد تبریزی، مشکینی و منتظری، دروس خارج را هم در محضر آیات عظام: آقای بروجردی، امام خمینی و محقق داماد آموخت و مبانی علمی اش را استوار ساخت. ایشان، پس از وفات عالمان نامدار اردستان، حضرات: میرزاعلی

آثارش عبارتند از:

۱. آداب و اعمال مکه و مدینه؛

۲. سفرنامه کربلا (منظوم)؛

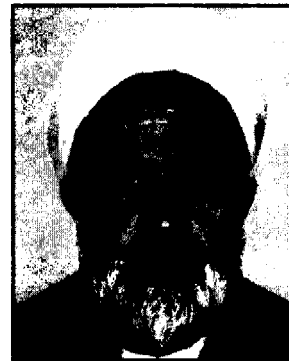
۳. نوارهای تفسیر قرآن؛

۴. نوارها و نوشته های خطبه های نماز جمعه.

سرانجام آن عالم فرزانه در ۸۲ سالگی در سحرگاه روز یکشنبه ۵ دی ۱۳۸۹ (۲۰ محرم الحرام ۱۴۳۲ ق)،

چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش روز دوشنبه، پس از تشییع باشکوه و نماز آقای حاج سیدیوسف طباطبایی - امام جمعه اصفهان - در زادگاهش، روستای فران، در کنار مرقد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.

### حجت الاسلام ربانی خلخالی



حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی ربانی خلخالی، یکی از فاضلان و نویسندگان پرکار و معروف حوزه علمیه قم بود.

آن مرحوم، در سال ۱۳۶۵ ق (۱۳۲۵ ش)، در روستای «کرین» - از توابع خلخال - زاده شد و پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی، در پانزده سالگی (۱۳۴۰ ش) برای تحصیل علوم دینی راهی حوزه علمیه قم شد و ادبیات را نزد آیت الله سید مهدی لاجوردی قمی آموخت و پس از یکسال (۱۳۴۱ ش) به خلخال بازگشت و در مدرسه جعفریه، ادامه ادبیات را نزد حضرات: شیخ هبة الدین یکتایی و شیخ مصطفی نورانی فراگرفت؛ سپس در سال ۱۳۴۳ ش به قم باز آمد و سطوح را از حضرات آیات: سیدیوسف مدنی تبریزی (شرح لمعه)، جعفر سبحانی (رسائل)، آقاشهاب الدین اشراقی و میرزا علی مشکینی (مکاسب)، تجلیل تبریزی و یکتایی (کفایه)، و علامه طباطبایی (تفسیر) آموخت و پس از آن به دروس آیات عظام: شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی، سیدمحمد

شیرازی، سیدمحمد شاهرودی و سیدمحمد روحانی حاضر شد و بهره های فراوان برد و از آنان به دریافت اجازات متعدد حسیه و روایی نایل آمد.

وی در خلال تحصیل، به تبلیغ دین در شهرهای مختلف و تألیف کتب متعدد پرداخت و در دوران انقلاب اسلامی هم در خلخال - همراه با چند تن از طلاب علوم دینی - دستگیر شد که با اقدامات آیت الله هبة الدین یکتایی، آزاد شد و بار دیگر نیز به علت تألیف و چاپ کتاب «مفاسد شراب، قمار و ربا از دیدگاه اسلام»، در تهران دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد، که با تلاش مرحوم آیت الله شیخ حسین لنکرانی آزاد شد.

همچنین در یکی از تظاهرات ها، مورد تهاجم مأموران رژیم قرار گرفت و ضربه با توم به سرش اصابت کرد که تا پایان عمر از صدمه آن در امان نبود و هر چند سردرد آن را تحمل می کرد، اما سرانجام همان او را از پای درآورد و به علت بیماری ناشی از آن، بدرود حیات گفت.

آن محروم، دلدادۀ اهل بیت بود و در مجالس عزای آنان بسیار می گریست و حدود چهل سال، هر روز زیارت عاشورا را با رعایت آداب (با صد لعن و سلام) قرائت می کرد. به قرائت قرآن علاقه بسیار داشت و هر روز یکی دو جزء قرآن، و در ماه مبارک رمضان هر روزه یک جزء قرآن می خواند، هر شب به زیارت حضرت معصومه - سلام الله علیها - مشرف می شد، و از حافظه ای قوی برخوردار بود. تألیفاتش عبارتند از:

#### الف) کتاب های چاپی

۱. چهره درخشان حسین بن علی (ع)؛
  ۲. چهره درخشان قبربنی هاشم، ابوالفضل العباس (ع) (۵ ج)؛
  ۳. چهره درخشان سامراء، امام هادی (ع) و امام عسکری (ع)؛
  ۴. چهره درخشان مدینه، حضرت ام البنین (علیها السلام)؛
  ۵. چهره درخشان شام، حضرت رقیه دختر امام حسین؛
  ۶. چهره درخشان قم، حضرت معصومه (سلام الله علیها)؛
  ۷. شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر (۲ ج)؛
  ۸. عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه (به اردو ترجمه شده است)؛
  ۹. زن از دیدگاه اسلام؛
  ۱۰. مفاسد شراب، قمار و ربا از دیدگاه اسلام؛
  ۱۱. دعا و زیارت؛
  ۱۲. خیانت از دیدگاه اسلام.
- ب) آثار غیر چاپی

۱. بررسی جالب درباره مهدی موعود (عج)؛
۲. تقوا از دیدگاه قرآن و اهل بیت؛
۳. خیانت روشنفکران و غریزدگان؛
۴. کشکول ربانی؛
۵. زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)؛
۶. فلسفه احکام از دیدگاه علی و فاطمه علیهما السلام؛
۷. رساله در علم منطق؛
۸. مفاسد شراب و قمار از دیدگاه اسلام (ج ۲)؛
۹. شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر (ج ۳).

آن فقید، در اثر بیماری سر - که در ضربه مأموران رژیم شاه به سرش پدید آمده بود - سرانجام، به بستر بیماری افتاد و در روز دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۹ ش (۱۴ محرم الحرام ۱۴۳۲)، در ۶۴ سالگی چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش روز سه شنبه پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی، در صحن امامزاده علی بن جعفر قم به خاک سپرده شد (با سپاس از استاد محمد الوان ساز خوبی).

### حجت الاسلام میلانی



حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد علی میلانی، یکی از علما و فضیلا مشهور مشهد مقدس بود.

آن مرحوم، در سال ۱۳۴۹ ق، در بیت فقاها و مرجعیت زاده شد. پدر بزرگوارش آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳-۱۳۹۵ ق)، فرزند آیت الله آقا سید جعفر حسینی تبریزی - شاگرد و داماد آیت الله العظمی شیخ محمد حسن مامقانی و مدفون در حرم کاظمین - فرزند آیت الله آقا سید احمد حسینی میلانی - از شاگردان آیت الله العظمی شیخ محمد حسن صاحب جواهر و از مراجع تقلید آذربایجان - و مادرش صبیبه

عالم معروف تهران آیت الله حاج سید حسن موسوی جزایری (م ۱۳۴۶ ق) بوده است - که داماد دیگر ایشان آیت الله سید صدرالدین جزایری بود.

آن مرحوم، پس از دوران کودکی و یادگیری قرآن و مقدمات، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد حضرات: سید ابراهیم علم الهدی سبزواری - از اخص شاگردان آیت الله میلانی - و سید حسن تهامی بیرجندی، ادبیات و سطوح را فراگرفت و پس از انتقال پدر بزرگوارش به کربلا، بقیه سطوح را نزد حضرات: شیخ جعفر رشتی و شیخ محمد خطیب آموخت و به درس های پدرش با کمال کوشش و تلاش شرکت نمود و همراه پدرش در سال ۱۳۷۳ ق به مشهد مقدس آمد و اداره دفتر ایشان را با تمام فعالیت ها و کارهای آن برعهده گرفت و به خوبی از عهده آن برآمد. او به مدیریت شئون تبلیغی دفتر (اعزام علما و فضیلا حوزه علمیه مشهد به اطراف و اکناف خراسان، اعزام طلاب در شب های پنجشنبه و جمعه به اطراف مشهد، استقرار علما و ائمه جماعات در شهرهای مختلف)، اداره مدارس آیت الله میلانی (مدرسه امام صادق و مدرسه عالی حسینی)، بنای مساجد و مدارس و غسلخانه ها در شهرها و روستاهای مختلف و اداره شئون سیاسی و اجتماعی دفتر آیت الله میلانی پرداخت و بیش از بیست سال، بازوی توانای پدر بزرگوارش در تمام کارها بود.

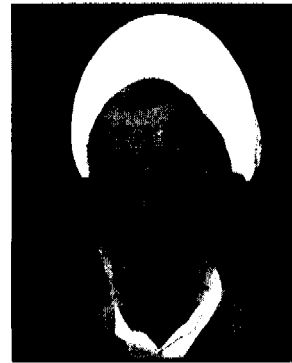
پس از وفات آیت الله میلانی (۳۰ رجب ۱۳۹۵ ق)، او، در خانه معظم له را باز گذاشت و آن را در کمال نزاهت و پاکی و درستی، اداره نمود؛ به اقامه جماعت در جای پدر بزرگوارش در صحن نو و مسجد گوهرشاد پرداخت تا آنکه - به عللی - از آن کار صرف نظر نمود و فعالیت های خویش را در خانه پی گرفت. بیانش مجمع علما و فضیلا بود و کتابخانه اش هم یکی از کتابخانه های مهم مشهد و آکنده از مطبوعات و پاره ای مخطوطات بود. از تألیفات چاپی اوست:

۱. شرح زیارة امیر المؤمنین علیه السلام فی یوم المبعث؛
۲. شرح زیارة امیر المؤمنین (ع) فی یوم الغدیر المبارک (آماده چاپ)؛
۳. تمة «قادتنا کیف نعرفهم»، آیات ولایت امیر المؤمنین در قرآن؛
۴. علم و جهاد: شرح زندگی و اسناد آیت الله میلانی (ج ۲)؛
۵. مراقد و مشاهد مشرفه عراق؛

۶. تنظیم و پاورقی بر «استفتانات آیت الله میلانی»؛  
 ۷. تنظیم و پاورقی بر «تفسیر سوره جمعه و تغابن» نوشته آیت الله میلانی؛  
 ۸. تنظیم «استفتانات مربوط به زلزله» که در زمان زلزله کاخک در خراسان، آنها را از پدرش پرسید و با جواب ایشان، به چاپ رسانید؛  
 ۹. نوروژ در اسلام.

معظم له، پس از ۸۲ سال زندگی، در روز پنجشنبه ۲۳ دی ۱۳۸۹ ش (۸ صفر الخیر ۱۴۳۲ ق) بدرود حیات گفت و پیکر پاکش صبح روز جمعه ۲۴ دی، پس از تشییع و نماز برادرزاده اش آیت الله حاج سیدعلی میلانی، در یکی از غرفه های صحن حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

### حجت الاسلام طیبیان



حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ حسین طیبیان، یکی از فضیلتی سختکوش حوزه علمیه قم بود.

فقید سعید در ۱۲ ذیقعده ۱۳۶۲ ق (۱۹ آبان ۱۳۲۲ ش)، در بال، در خانواده ای غیر مذهبی زاده شد. که با روحیه دینی وی ناسازگار و درگیر بودند و او را سرزنش می کردند. اما او با همه اینها، با کمال علاقه به دین و ایمان تربیت شد و در بیست سالگی، معلم ابتدایی مدارس اطراف مشهد و شیراز و سپس معلم مدارس «جامعه تعلیمات اسلامی» در تهران شد. او با نویسنده معروف و متعهد و نام آشنای کشورمان آقای دکتر علی قائمی، آشنا شد و همین آشنایی، خط سیر زندگی وی را رقم زد. در سال ۱۳۵۰ ش، در رشته ریاضی دانشگاه تهران، نفر اول شد و از همان زمان جلسات مذهبی خود را با جوانان و نوجوانان در تهران آغاز کرد. در سال ۱۳۵۳ ش، برای تحصیل

علوم دینی به حوزه علمیه قم آمد و سطوح عالی را نزد حضرات آیات: شیخ علی پناه اشتهاوردی و شیخ محمدتقی ستوده فرا گرفت و پس از آن به درس فقه و اصول مرحوم آیت الله حاج میرزاهاشم آملی و آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری حاضر شد و بهره های فراوان برد و اجتهادش مورد تأیید ایشان قرار گرفت.

وی، در سال های پیش از پیروزی انقلاب، به سبب جلسات مذهبی اش، چندبار دستگیر شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم با جدیت و تلاش فراوان به تبلیغ دین در شهرها، جبهه های نبرد حق علیه باطل، کاروان های حج و عمره، سایت های مختلف، دانشگاه ها و مراکز دینی و فرهنگی پرداخت و همزمان با تحصیل و تبلیغ، به تألیف و مطالعه گسترده کتاب های تاریخی و روایی اهل سنت و نقد مرام پوشالی و هابیت پرداخت و هزاران فیش در فضایل اهل بیت و مثالب دشمنان آنان برداشت و آماده ساخت.

آثار ایشان، عبارتند از:

الف) آثار چاپی

۱. علی (ع) از دیدگاه ابن ابی الحدید؛
  ۲. مناظره دو عالم اهل سنت: جاحظ و اسکافی؛
  ۳. خدا در صحاح (به عربی و اردو و ترجمه شده است)؛
  ۴. اهل بیت در صحاح (به عربی و اردو ترجمه شده است)؛
- ب) آثار غیر چاپی
۱. پیامبر در صحاح؛
  ۲. اصحاب در صحاح؛
  ۳. عایشه در صحاح؛
  ۴. خلفا در صحاح (۲ ج)؛
  ۵. حاشیه بر عروة الوثقی؛
  ۶. تقریرات درس فقه آیت الله مظاهری.

آن عالم بزرگوار، در راه زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا(ع) در ۶۷ سالگی سر بر آستان موالیان طاهرش نهاد و در روز چهارشنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۸۹ ش (۱۴ صفر الخیر ۱۴۳۲ ق) بر اثر تصادف، در نزدیکی کرمانشاه، جان به جان آفرین تسلیم کرد و پیکر پاکش، در روز جمعه تشییع شد و پس از نماز حضرت آیت الله شبیری زنجانی بر آن، در گلزار شهدای علی بن جعفر علیه السلام قم به خاک سپرده شد و غم فقدانش، اثری عمیق بر دل دوستانش بر جای نهاد.

## آیت الله عمری



تخریب قبرستان بقیع (سال ۱۳۴۴ ق) دستگیر و زندانی شد و در سال ۱۳۵۸ ش، به ایران آمد و با امام خمینی دیدار کرد؛ اما در بازگشت به کشورش، بازداشت و زندانی شد. بار دیگر در اعتراض به کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ ش، دستگیر و به اعدام محکوم شد؛ اما با اعتراض گسترده شیعیان، این حکم لغو و به حبس ابد محکوم شد که پس از گذراندن چند سال زندان، به دلیل کهولت سن، آزاد شد.

آن مرحوم، در طول حضور خویش در مدینه، خدمات دینی بسیار به شیعیان و زوار و حجاج ارائه داد و از مشکلات نهراسید و با پایمردی، حقوق اقلیت شیعه را در مدینه احقاق نمود. او سال‌ها در ایران، در ماه مبارک رمضان، اقامت می‌کرد و زبان فارسی را به خوبی تکلم می‌نمود.

سرانجام، آن عالم فرزانه، در آستانهٔ اربعین سیدالشهداء(ع) در روز سه‌شنبه ۱۹ صفر الخیر ۱۴۳۲ (۵ بهمن ۱۳۸۹ ش) در ۱۰۴ سالگی بدرود حیات گفت و پیکر پاکش در صبح پنجشنبه ۷ بهمن با حضور هزاران نفر از علما و مردم عربستان و برخی کشورهای عربی، تشییع شد و پس از نماز آیت‌الله سیدعلی سیدناصر السلمان بر آن، در قبرستان بقیع در طرف شرقی قبر حلیمه سعیدیه، به خاک سپرده شد و در سوگش، مراسم بسیار برگزار و پیام‌های تسلیت فراوانی از سوی علما و مراجع تقلید صادر شد.

ناصرالدین انصاری قمی

آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد عمری، یکی از علمای عربستان و رهبر شیعیان این کشور در شهر مدینه منوره بود.

معظم له، در سال ۱۳۲۷ ق، در مدینه منوره، در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت الاسلام شیخ علی احمد العمری (متوفای: ذیحجه ۱۳۴۹ ق و مدفون در عفان)، یکی از فضیلتی تحصیل کردهٔ نجف بود. آن مرحوم در بیست سالگی (۱۳۴۷ ق) رهسپار نجف اشرف شد و سطوح عالی‌ه را نزد استادانی چون: حضرات آیات: شیخ محمدتقی فقیه، شیخ محمدرضا مظفر، سیدمسلم حلی، شیخ محمدجواد مغنیه، سیدباقر الشیخ، شیخ محمدتقی آل صادق و شیخ محمدحسین مظفر فرا گرفت و پس از آن به درس فقه و اصول آیات عظام: سیدابوالحسن اصفهانی، آقاضیاء عراقی، شیخ حسین حلی و سیدمحسن حکیم حاضر شد و بهره‌های فراوان برد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. او پس از پایان تحصیلاتش، با اخذ اجازات متعدد از استادانش و دیگر مراجع نجف و قم (آیات عظام: خوبی، شاهرودی، میلانی، گلپایگانی و معاصران) به زادگاهش بازگشت و رهبری شیعیان مدینه را بر عهده گرفت. نخست، حسینیه‌ای در نزدیکی بقیع بنیاد نهاد و به ترویج مکتب تشیع پرداخت، اما پس از تخریب آن به بهانهٔ توسعه خیابان، به بخش «نخاوله» رفت و در آنجا حسینیه معروف خود را بنا نهاد و به کار علمی و فرهنگی پرداخت و شیعیان را گرد آورد و تشکل منظمی ایجاد کرد؛ اما اینها چیزی نبود که از چشم حکومت وهابی عربستان مخفی بماند؛ لذا بارها او را دستگیر کردند و سالیان فراوان در حبس و زندان به سر برد و دو بار محکوم به اعدام شد (یک بار بالای دار هم رفت و طناب اعدام را هم بر گردنش افکندند، اما او با توسل به حضرت زهرا(س) نجات یافت و پس از سی‌تاییه، طناب پاره شد و از اعدام، رهایی یافت). او نخستین بار در اعتراض به